

مقاله حاضر که به قلم یکی از نظریه پردازان و صاحب نظران معاصر در حوزه فلسفه سیاسی نگاشته شده همه ادعاهای هایدک در مقاله قبلی و امینی بر محافظه کار نبودن به چالش می کشد و او را بر طبق مستنداتش که می آورد، دو شمار محافظه کاران قرار می دهد.

### ♦ دکتر مادن پیری

هایک در مقاله‌ای که تحت عنوان «چرا محافظه کار نیستیم؟» به رشته تحریر در آورده چنین استدلال کرده که محافظه کاران در پی آسودگی و رفاه آن چنان که هست تثبیت کننده در حالی که او خواهان تغییر در جهت آزادی بیشتر است. به تعبیر او محافظه کاری نگرشی مشروع، احتمالاً ضروری و مطمئناً گسترده است که مبنای آن بر محافظت با تغییرات بنیادی است. تئوریست هایدک در ادامه می افزاید: «محافظه کاری مابین افکار به ارزش و احساسی جایگزین برای مسیر حرکت فعلی نیست و از همین رو صورت آن همواره این بوده که به مسیری کشیده شود که خود آن را انتخاب نکرده است. چون گرچه گاه موفق شده روند تغییرات نامطلوب را آهسته گرداند اما هیچ گاه نتوانسته از تسلیم آن‌ها جلوگیری به عمل آورد». از دیدگاه هایدک همسویی گامگامی محافظه کاران با سایر فدرالان جامعه آزاد همواره به شکلی تصادفی و از روی مصلحت و بدون خاطر صورت گرفته که هر دو در دشمنی با سوسیالیسم اشتراک منافع داشته اند. هایدک در تحلیل خود بیان می کند که سنت حاکم در ایالات متحده تا حدود زیادی سنت آزادی است گرچه این امر ممکن است امروزه چندان بیش از علم نداشته باشد. اما همچنان بسیاری از محافظه کاران در آمریکا جامعه خود را آزاد و با نسبتاً آزاد فرض می کنند برعکس در اروپا به ایجاد جوامع آزاد مترادف با رد مستحای بوده است که دشمن آزادی محسوب می شده اند. نکته‌ای که هایدک مطرح می کند این است که محافظه کاران امریکایی ممکن است تفاوتی بین آزادی و محافظه کاری قائل نشوند امبری که در اروپا بسیار آشکار است. از نظر هایدک وقتی که یک امریکایی سعی در آهسته کردن روند تغییرات دارد در واقع سرعت فرسایش آزادی‌های

سنتی را کسبی کند. هایدک محافظه کاران را افرادی می داند که با در ماندگی در صدد جلوگیری از حرکت به سوی سوسیالیسم هستند. سایر نویسندگان محافظه کار ناکید هایدک بر تمایز موانع خود با دیدگاه‌های محافظه کاران توسط برخی نویسندگان محافظه کار تقویت نشده است. مایکل اکتلت در کتاب «هنر دگرگونی در سیاست» عدم پذیرش ایندولوژی‌ها از جنبه‌هایک را خود نوعی ایندولوژی توصیف می کند. بدو معتقد است که در کشورهای فلسفی ایندولوژی‌هایک پذیرش او را در اردوگاه محافظه کاران منتهی می سازد.

### هایک و محافظه کاری

برای کسانی که می خواهند با نقطه نظر هایدک در مورد محافظه کار نبودنش مخالفت کنند دو استدلال می تواند وجود داشته باشد. یکی این که تفسیر هایدک از محافظه کاری تکرار به تجدید نظر دارد و دیگری این که هایدک طرف ریح قرن بیستم را انتشار مقاله خود در دیدگاه‌های تجدید نظر به عمل آورد. در این جا هر دو این استدلال‌ها را مورد کنکاش قرار می دهیم.

### معنای محافظه کاری

اصطلاح «محافظه کار» هم برای توصیف یک نگرش ذهنی و هم برای بیان یک سنت سیاسی به کار برده می شود. از این رو می توان یک هوادار پرو یا فرس چنینش چه را در صورتی که از پذیرش تغییر اگر له داشته باشد و از چیزهای نو استقبال نکند. محافظه کار نامیده. هنریت از تفسیر «یک نگرش ذهنی به حساب می آید. در واقع این نوعی ویژگی روزن شناختی است که در افراد به اشکال گوناگون از جمله هراس از ماجراجویی و ترس از تغییر جلوه می کند. هایدک در این مفهوم یک محافظه کار شمرده نمی شود. از جمله ویژگی‌های او کنجکاری فکری و آمادگی برای برخورد با افکار جدید است. هایدک در مقاله خود نحوه برخورد خود با تغییر و آمادگی خود برای پذیرش نتایج غیر قابل پیش بینی آن را برای جامعه شرح می دهد. از نظر او ادعای داشتن مسیر مطلوب به روش رفت، ضروری نیست. پیشرفت نهایتش به روش و از روی برنامه‌ریزی در واقع پیشرفت به حساب نمی آید. هایدک به این دلیل که تمایل به عدم پذیرش تغییر را با سنت

سیاسی محافظه کار مترادف می داند این بر حسب زاویه می کند. اما به هیچ روی روشن نیست که این گرایش با سنت سیاسی مترادف باشد. معمولاً کسانی که گرایش‌های محافظه کاری دارند سعی بر این دارند که خود را پاره‌دعایت‌های سیاسی نشانند مگر نه این است که سیاست چیزی جز فعالیت و تغییر نیست.

### تعمیر تغییر

نکته‌ای که در این جا مطرح است تمایز بین نفرت از تغییر و سیاست محافظه کارانه است. هر چه‌ها که فلال بدین تمایز نگردیده است. محافظه کاران به واسطه شباهت‌های شخصیتی گردهم نمی آیند، بلکه به دلیل نگرشی که نسبت به جامعه دارند با یکدیگر متحد می شوند. آن چه باعث اتحاد آنان می شود تنفر از تغییر نیست بلکه تنفر از تغییر تحمیلی است. همگی آنان با نوعی تغییرات موافق و با نوعی دیگر مخالفند. برخی خود دست به ایجاد تغییرات زده‌اند مخالفت آنان عمدتاً با تغییراتی است که به قصد به پارلمانی بکنند. توجه خاص و مجبور کردن مردم به زیستن به شیوه‌ای خاص صورت می گیرد. حتی ایرادات نمودند بر یک به انقلابیون فرقه‌سوی نشانی از تنفر و سوسان گونه او از تغییر نبود. او اعلان داشت که تغییرات گاه ضروری است آن چه او مورد افسرد قرار می داند تلاش برای مساز کردن جامعه با یک طرح عقلانی بود. او دیدگاه بر که مجموعه‌ای از سنت‌ها بسته غیر قابل تغییر نیست است که باید در حفظ آن کوشیده بلکه چیزی است که انجام تغییرات را به این شکل امکان پذیر می سازد. جامعه آن قدر پیچیده است که طرح‌ریزی برای آن نمی تواند ذهن بشر نشانی شود. بلکه باید در نتیجه اعمال شمار زیادی از مردمان طی دوره‌های طولانی دچار تحول گردد. تحت لوای محافظه کاری مردم دست به انتخاب می زنند. آینده آن‌ها و آینده جامعه‌شان نباید بر اساس طرح‌های بزرگی باشد که زائیده فکر یک فرد یا افراد از زمان گذشته باشد. بلکه باید بر پایه تئوریت‌های مستقل بیروزی گردد. افراد سعی نمی کنند تا به طور جمعی به یک هدف خاص دست یابند بلکه آن چه حاصل می آید نتیجه کلیه اقدامات آنان است. در واقع، آن چه سبب اتحاد محافظه کاران می شود عزم آنان در این مورد است که اجازت دهند جامعه مسیر طبیعی خود را طی کند بدون آن که به سمت یک هدف از پیش تعیین شده سوق داده شود.

### محافظه کاری و جامعه آزاد

لازم است بین محافظه کاری به عنوان یک ویژگی شخصیتی و سنت سیاسی محافظه کاری تفاوت قائل شده به این دلیل که هر چند هایدک و امینی توان بر اساس برداشت اول فرک کرده بر پایه برداشت اخیر می توان او را با محافظه کاری آشتی داد. تمایل هایدک به حرکت به سوی جامعه‌های آزادتر به خوبی در چارچوب گرایش محافظه کاران به جامعه‌های می گنجد که در آن هر چه حاصل می آید نتیجه اعمال اشخاص باشد و نه قواعد و مقررات وضع شده از سوی رهبران. مفهومی که هایدک از نظم خودجوش دارد با عدم پذیرش نظم طراحی شده که بر جامعه تحمیل می گردد همخوانی ندارد. حتی عدم اعتماد محافظه کاران به برنامه‌ریزی عقلانی نیز این ادعای هایدک بزرگ بنیادی است که جامعه خود را چند اطلاعاتی است که بسیار بیشتر از آن چیزی است که در مغز یک فرد یا یک گروه کوچک وجود دارد.

هایک در هنگام تکرار مقاله خود احتمالاً تحت تأثیر این واقعیت قرار داشته که برخی احزاب که خود را محافظه کار نامیدند بر برنامه‌ریزی متمرکز راه بر نماند کار خود قرار داده بودند و تلاش نمی کردند خودجوشی را در جامعه احیا کنند. اکنون با نگاهی به گذشته، روشن می شود که این یک پدیده گوناگون بوده است. محافظه کاران از آن زمان به بعد در چندین کشور برنامه‌ریزی متمرکز را کنار گذاشته‌اند.

### برنامه‌ریزی عقلانی

هایک همسو با سنت سیاسی محافظه کار به برنامه‌ریزی عقلانی و متمرکز به دیده شک و تردید می نگردد. او برای انتخاب افراد احترام قائل است و حتی شاید با این نظر محافظه کاران نیز موافق است که اکثر تغییرات از سنت و آداب و رسوم می آید که در جامعه تکامل پیدا کرده بیرونی می کنند. هایدک سنت را نه یک پدیده ثابت بلکه محصول فرآیند انتخابی می داند که نه بر اساس عسرد بلکه بر پایه موفقیت هدایت شده است. سنت تغییر می پذیرد اما این تغییر به ندرت به شکلی عسقله صورت می گیرد. از دیدگاه هایدک کلیه پیشرفت‌های مبتنی بر سنت است.

در واقع، آن چه عامل وحدت بخش محافظه کاران در سرگرم جهان است نوعی نگرش خاص به جامعه است. هایدک نیز همین نگرش را نسبت به جامعه دارد.

پدیده‌ای است که بخشی از گرایش محافظه کاری را ترس از ناشناخته‌ها تشکیل می دهد. با این همه سنت سیاسی به طور معلوم در پی رد طرح‌هایی است که به نتایج قابل پیش بینی منتهی می شوند که به جامعه امکان می دهد بر اساس مرجع رفتار اشخاص



به نتیجه گیری‌های ناشناخته‌های دست بزنند. محافظه کاران سیاسی بر خلاف سوسیالیست‌ها در پی هیچ نظم خاصی نیستند بلکه در جستجوی نظم ناشناخته هستند که در صورت نفی اهداف از پیش تعیین شده خود به تدریج نمودار خواهد شد. در این نکته نیز هایدک با سنت سیاسی محافظه کاری هم‌دستان است و در مقاله خود نیز اشاره کرده که هیچ گونه هراسی از نتایج ناشناخته ندارد. روشن است که مخالفت‌هایک با محافظه کاری عمدتاً از مترادف دانش آن با خصوصیت با تغییر ناسی می‌شود. در واقع می‌توان گفت‌هایک در موضعی قرار دارد که بیش از یک محافظه کار مترادف بر آزادی و حق انتخاب تاکید می‌نهد اما این افکار نیز در نظریه سیاسی محافظه کاری نقش مهمی بر عهده دارند.

#### تغییر نگرش‌هایک

نومین استدلالی که در مورد محافظه کار بودن هایدک صورت می‌گیرد این است که هایدک در نظرات خود بازنگری کرده است اما باید گفت که هایدک دیدگاه‌های خود را تغییر نداده بلکه تاکیدات خود را تغییر داد. آن چه به عنوان نقطه عطف به تفکرات هایدک مطرح می‌شود کتاب او تحت عنوان «بنای آزادی» است اما به اعتقاد من پس از انتشار این کتاب نیز تغییر بنیادی در دیدگاه‌هایک به چشم نمی‌خورد.

#### آثار اولیه

در آثار اولیه هایدک از آزادی به عنوان منبع ارزش‌های اخلاقی یاد می‌کند. اگر آزادی افراد توسط برنامه ریزان مرکزی از آنان سلب شود، آن‌گاه افراد مبنای اخلاقیات خود را نیز از دست خواهند داد و به نوعی از اسبیت خود نیز نهی خواهند شد. در واقع تحت چنین شرایطی افراد چیزی جز بسزاری برای تحقق آرمان‌های دیگری نخواهند بود. استدلال قوی هایدک در مورد انتخاب آزاد افراد مستقل که کتاب «مبنای آزادی» او بر محور آن به نگرش در آمده این کتاب را به یک متن کلاسیک آزادی گرا تبدیل ساخته است که از بسیاری جهات بر مبنای مقاله «در باب آزادی» جان استوارت میل نوشته شده و با تفاوت و پیچیدگی‌های بیشتری همراه است.

#### آثار متأخر

هایک در آثار بعدی خود توجه خود را به نحوه تکامل و تکوین جوامع و این که چه نوع جوامعی قادر به ادامه حیات هستند، معطوف ساخت. همچنین او به منبع ارزش‌های پر خاست و منشأ ارزش‌های والا تر را وراثت فرهنگی خواند و ارزش‌های پست تر را ناشی از وراثت ژنتیکی دانست. به اعتقاد او آن چه سبب می‌شود فرد اخلاقی نیکو پیدا کند طبیعت یا خرد نیست بلکه سنت است. هایدک این گونه استدلال می‌کند که ما اخلاقیات خود را مدیون هوش خود نیستیم بلکه آن را مدیون این واقعیت هستیم که برخی گروه‌ها نادرست‌ترین قواعد و مقرراتی را تصویب خود قرار دادند که آن‌ها را به سمت شکوفایی سوق داد و اسباب بقای آن‌ها را فراهم کرد. در واقع، از نظر هایدک مملکت پیروزی از یک رشته قواعد خاص ناشی می‌شود که از این صحیح از قواعد مزبور نبوده است بلکه موفقیت گروهی که از این قواعد تبعیت می‌کند به عنوان اصل راهنما شناخته شده است.

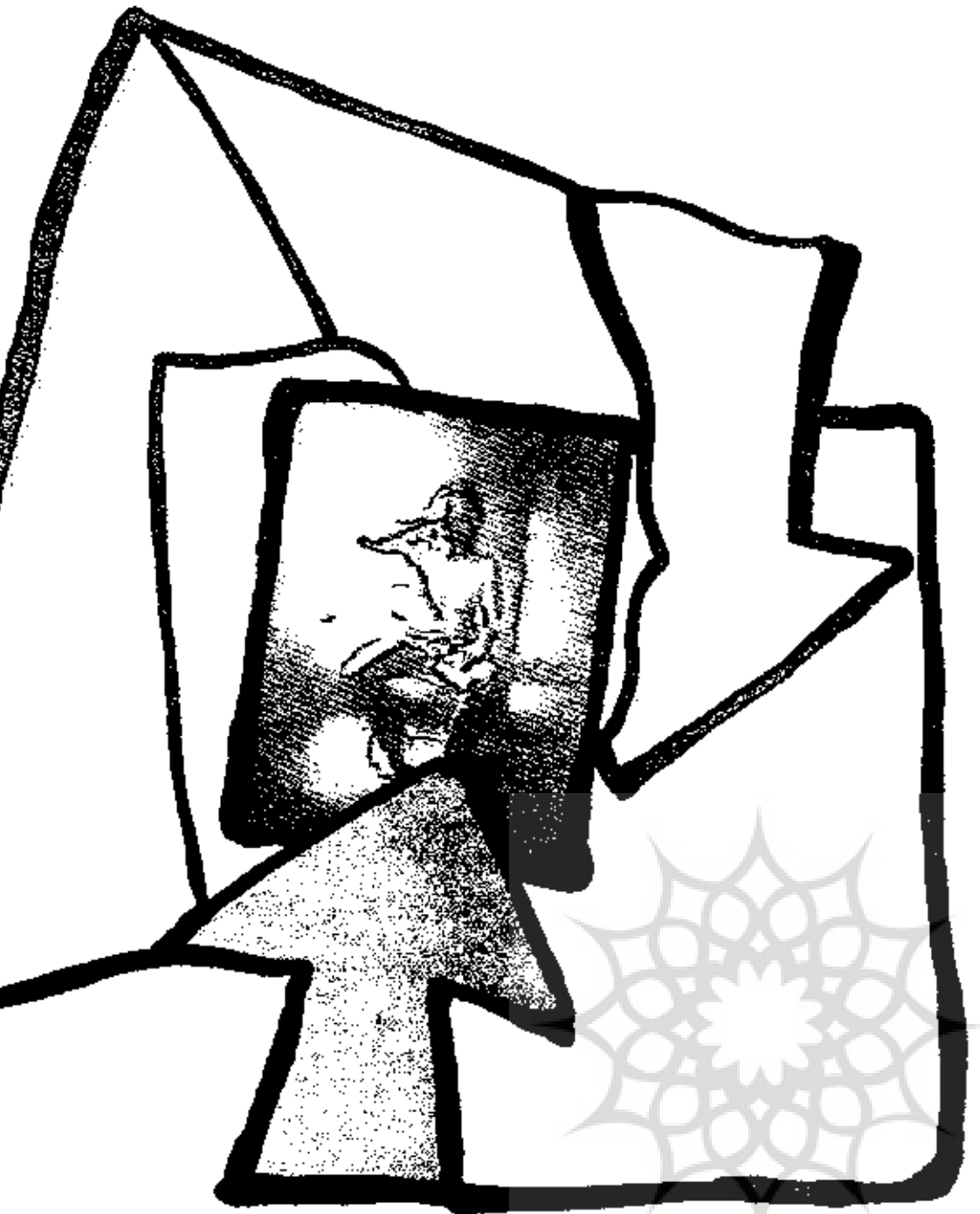
#### احساسات محافظه کارانه

خلاصه کلام این که هایدک به بهترین وجه هنگامی احساسات محافظه کارانه خود را به نمایش گذارد که به اهمیت آفتاب و رسوم و سنت‌ها به عنوان مسائل فطرت ارزش‌های اجتماعی و در همان حال عدم پذیرش هر گونه نظم عقلانی تحمیلی پای می‌فشارد. وجه مشترک دیدگاه‌هایک با محافظه کاران آن است که باید در پی جامعه‌های خودجوش بود که در آن اعمال فردی، نظم بر نامرئیزی نشده بی‌افکند هایدک همسوی با محافظه کاران تلاش برای ایجاد یک نظم عقلانی و تحمیل آن بر مردم به جای تصمیمات آنان را رد می‌کند. هایدک بر ارزش فرهنگ فرسوخ‌ترین مفهوم آن به عنوان مخزن خردی که بسیار ارزشمندتر از تلاش‌های ذهنی یک فرد است تاکید می‌کند. هایدک بر این امر اذعان دارد که جوامع تغییر می‌کنند و تکامل مسیر طبیعی خود را می‌پیمایند اما این تکامل تدریجی و نه انقلاب است که تغییر را موفق می‌گرداند. این نیز بخشی از سنت سیاسی محافظه کاری است.

هایک در جستجوی یافتن نامی بود برای حزبی که افرادی را نمایندگی کند که هم‌فکر او هستند. اکنون باید گفت که جستجوی او خالصه یافته است. هم‌اینک نامی برای حزبی وجود دارد که طرفدار آزادی انتخاب است و در پی حفظ خودمختگی نتایجی است که بر اثر ابلیت انتخاب‌های فردی حاصل می‌آیند. این حزبی است که بر نقش سنت‌ها و میراث فرهنگی در تکامل آرام و ایمن جامعه اذعان دارد. این حزبی است که ادعای برنام‌ریزان مرکزی و جمع گرایان و نیز هواداران طرح‌های پیش ساخته را رد می‌کند. اگر بخواهیم هایدک از شناسایی این نام تاکنون به هر دلیلی طعنه رفته است. اینک باید یاد کرد که اسم این حزب «محافظه کار» است.

[ ترجمه: امیر مهدی پیروز ]

منبع:



طرح: امیر مهدی پیروز

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

# اکتوبر

دوره  
مقاله‌نگار ویرایش

یک مقاله نویسی دانسته‌اند تا یک فیلسوف و خود این امر یکی از وجوه محافظه کاری وی را مشخص می‌سازد چرا که بسیاری از محافظه کاران از نگارش آثاری که در آن به نظریه پردازی‌های دور و دراز دست یزنند و از آن طریق به قلمرو انتزاعیات بپیفتند اجتناب می‌کنند. برخی از آثار مهم او کلمات عبارتند از: تجربه و وجوه آن، عقل گرایسی در سیاست و مقالات دیگر. در باب مهمترین ویژگی‌های اندیشه سیاسی وی که برگرفته از سنت محافظه کاری است می‌توان به اولویت تجربه و سنت با تلقی خاص او از عقل گرایسی روشنگری، نقد اولویت انتزاع گرایسی بر تجربه سیاسی و دفاع از اجتماع مدنی در برابر دولت و سیاست ایدئولوژیک اشاره کرد.

نوشته زیر تلخیصی است از یکی از مقالات هایدک او کلمات، فیلسوف سیاسی برجسته قرن بیستم انگلیس که پیرامون محافظه کاری نوشته شده است و در واقع می‌توان گفت که ترکیبی از روان‌شناسی اجتماعی و فلسفه سیاسی است. بسیاری از محققین فلسفه سیاسی، او کلمات را پانزدهم‌ترین متفکر محافظه گرایسی معاصر به حساب می‌آورند. هر چند که عده‌ای هم بر این اعتقادند که محافظه کاری او بسیار خاص و غریب است و یا هیچ‌یک از مکاتب محافظه کاری رابطه‌ای روشن ندارد.

با مطالعه سوابق فکری او کلمات این امر به خوبی دیده می‌شود که روش کار وی بیشتر متمرکز بر مقاله نویسی است. از این رو هم، برخی وی را بیشتر